

بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد

محمد رحیم رهنما^{۱*}، محمد محسن رضوی^۲

^۱ دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۶)

چکیده

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود که همگام با برنامه‌ریزی پست مدرن عمدتاً در سطح محلات شهری مطرح است. این حس تعلق مکانی بر مشارکت و سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد، که تحلیل این فرآیند هدف این مقاله است و هدف دیگر معرفی کاربرد مدل‌های ساختاری (به علت چند بعدی بودن ابعاد بررسی و وجود متغیرهای مکنون) در حوزه مطالعات شهری است. در این تحقیق تحلیلی و همبستگی، نمونه‌ای ۵۰۰ نفری از ساکنین محلات منطقه ۴ و ۱۱ شهر مشهد به عنوان نمونه انتخاب شده و هر یک از متغیرهای سه‌گانه تحقیق، که عبارتند از حس تعلق مکانی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت و سپس چهار مدل از چگونگی روابط متفاوت میان متغیرها تهیه شد. که نتایج آنها نشان می‌دهد؛ مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

حس تعلق مکانی، مشارکت، سرمایه اجتماعی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، شهر مشهد.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۹۱۵۳۱۰۲۳۴۷، نامبر: ۰۰۵۱۱-۸۸۳۳۳۷۴، E-mail: razavi.m@hotmail.com

مقدمه

کاهش هزینه‌های اجتماعی و در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی شهری شناخته می‌شود (داداپور، ۱۳۹۱، ۳۲). از طرف دیگر، پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری همانند بسیاری از تحقیقات انسانی باید با یک چارچوب نظری یا مدل مفهومی مناسب پشتیبانی شود. در این چارچوب نظری و مدل مفهومی، متغیرها و عوامل موثر بر موضوع شناسایی و روابط آنها مشخص می‌شود. برای سنجش اعتبار و روایی این گونه مدل‌ها، تکنیک‌ها و ابزار کمی و کیفی متفاوتی وجود دارد. مدل‌سازی معادلات ساختاری یکی از این ابزارهای کمی و چند متغیره است که به بررسی و برازش مدل پرداخته و امکانات انجام برخی اصلاحات در مدل را فراهم می‌کند (پوراحمد و قاسمی، ۱۳۸۹، ۱۱).

مسئله‌ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، این است که نخست، آیا حس تعلق مکانی بر میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی مردم اثرگذار است؟ و دوم این که، ماهیت این رابطه چگونه است؟ آیا سرمایه اجتماعی میانجی رابطه میان حس تعلق مکانی و مشارکت عمومی می‌باشد؟ آیا مشارکت عمومی میانجی رابطه میان حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی می‌باشد؟ بین این سه مفهوم ارتباط وجود دارد و اینکه کدامیک بر دیگری اثرگذار هستند؟ در این راستا، از روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. روشن شدن ماهیت این روابط به برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران محلی کمک می‌کند، تا تصمیمات بهتری برای بهبود این سه متغیر اتخاذ کنند. در این رابطه به نظر می‌رسد حس تعلق مکانی از طریق برانگیختن مشارکت ساکنان باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی (اعتماد) شهروندان می‌شود.

یکی از عوارض منفی الگوی طرح‌های جامع سنتی، گرایش به کلیت‌گرایی و یکسان‌سازی روش‌ها و راه‌حل‌ها بوده و در واکنش نسبت به جبران این کمبود اساسی است که برنامه‌ریزی راهبردی به برنامه‌ریزی و طراحی در مقیاس‌های کوچک و موضوعات محسوس و مشخص انسانی در قلمرو اجتماعات محلی روی آورده است (مهدی زاده، ۱۳۸۵، ۳۱۲). بنابراین امروزه توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین‌تر و خردتر و عینی‌تری از زندگی شهری معطوف شده است (Friedman, 1993, 43). در این رابطه آنتونی گیدنز معتقد است که پدیده مدرنی چون پدیده شهروندی، ارتباط ناگسستنی و دوسویه‌ای با جامعه دارد (گیدنز، ۱۳۷۹، ۳۷). اجتماع محلی، مناسب‌ترین بستر برای دستیابی به توسعه پایدار شهری است، چرا که روابط بوم‌شناسانه با تجارب جمع و تحت میثاق اجتماعی و تعهدات اخلاقی اعضاء، ارج گذاشته خواهد شد و شیوه معیشت و بهبود سطح زندگی، هماهنگ با ظرفیت‌های محیط و با دلسوزی نسبت به یکدیگر و نسل‌های آینده برگزیده خواهد شد (صرافی، ۱۳۷۹، ۱۳۷). در جریان گذر از مفهوم سنتی برنامه‌ریزی شهری، مفاهیم جدیدی شکل گرفته که ماهیتاً از تبار علوم چون جامعه‌شناسی و حتی روانشناسی است و بدینسان زایش معنی میان رشته‌ای برنامه‌ریزی شهری را سبب گردیده است (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸، ۶۴)، که از جمله آنها می‌توان به سرمایه‌های اجتماعی، حس تعلق مکانی^۱ و مشارکت^۲ اشاره نمود، به طوری که امروزه پیگیری رویکردهای مبتنی بر افزایش میزان سرمایه اجتماعی در جوامع و همچنین استفاده از آن در سطوح مختلف فعالیت‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری به عنوان یک راه حل موثر در

۱. مبانی نظری

۱.۱. حس تعلق مکانی

در گذشته بسیاری از جغرافی‌دانان، هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند، ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، این چرخش را می‌توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوگا و دیگران مشاهده کرد (رضوانی و احدی، ۱۳۸۸، ۴۶). مقصود از مکان، جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی شدنی که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد (هاگت، ۱۳۷۳، ۱۶). مکان علاوه بر بُعد مادی، از بُعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان از اصطلاحاتی است که به صورت آزادانه در رشته مختلف علوم انسانی، علوم اجتماعی،

آموزش و جغرافیا استفاده می‌شود (Semken & Freeman, 2008, 11043). مفاهیم مکان، احساس مکانی و بی‌مکانی^۱ از مفاهیم اصلی‌ای هستند که جغرافی‌دانان اولیه نظیر بی‌فو تواین و ادوارد رلف در حوزه جغرافیای انسانی مطالعه کرده‌اند.

اهمیت بحث هویت مکان از آنجاست که می‌شود که انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود. تعلق خاطر در این میان، ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ۱۱۴). لینیچ، ادراک و تصور ذهنی مردم از شهر را به دلیل همین رابطه، بسیار مهم دانسته و اعتقاد دارد که حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می‌کند و وحدت به وجود می‌آورد. در نتیجه مکان دارای سلسله‌مراتبی از بی‌تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است. در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل

افزایش احساس یگانگی، سعه صدر و تسامح و تساهل گردیده و در نتیجه به توسعه نهادهای مدنی و دموکراتیک خواهد انجامید.

۳.۱. سرمایه اجتماعی

سرمایه، ثروتی است مولد یا منبعی است که شخصی جهت ایجاد درآمد به کار می‌برد، اما می‌توان از سرمایه برداشت وسیع‌تری نیز ارایه داد. سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد (برغمدی، ۱۳۸۷، ۲۶۷). اخیراً مفاهیمی مانند اعتماد و تعاون به مفهومی با عنوان سرمایه اجتماعی تبدیل شده است (Das, 2005, 65)، سرمایه اجتماعی اولین بار در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی^۷، توسط جین جیکوبز وارد برنامه ریزی شهری شد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۱۱) و توسط کلمن، بارت، پانتام و پرتز، بسط داده شد. جیکوبز در کتاب خود، سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با مسایلی که کیفیت زندگی^۸ را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری کرده، واکنش نشان می‌دهد (حاجی پور، ۱۳۸۵، ۴۳). وی مفهوم سرمایه اجتماعی را در ارتباط با مباحث فضایی-کالبدی شهر و محلات شهری مطرح نمود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۱۱). نحوه‌ی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. حداقل در یک دهه گذشته تحقیقات تجربی، از روش‌های بسیار متفاوتی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن استفاده کرده‌اند (همتی، ۱۳۸۶، ۷). تا جایی که از نظر فوکویاما، سنجش آن به دلیل بعد کیفیتی آن، مشکل است. به نظر او به جای سنجش سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود آن را از طریق وجود برخی پدیده‌های اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (فوکویاما، ۱۳۷۹). به هر حال این تحقیق برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی از شاخص‌های اعتماد اجتماعی در قالب اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به سازمان‌ها (شهرداری) استفاده گردیده است.^۹ اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. توکوویل معتقد است مشخصه جوامع شهری، اعتماد اجتماعی بنیانی به هم و همکاری با هم و وابسته به فعالیت‌های عام که روح شهروندی را ایجاد می‌کند (Tocqueville, 1968)، است و زیمیل اعتماد را معادل کلمه ایمان به کار می‌برد و به اعتقاد وی نوعی ایمان و اعتقاد به افراد جامعه است.

۴.۱. رابطه بین حس تعلق مکان، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی

در این تحقیق میزان مشارکت و سرمایه‌های اجتماعی به عنوان یکی از پیامدهای حس تعلق مکانی مطرح شده است. مفهوم حس تعلق مکانی در میزان و نوع روابط بین افراد جامعه تأثیر

یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷).

به عبارت دیگر در دوران تاریخی‌ای که ساختارزدایی گسترده سازمان‌ها، ویژگی اصلی آن است، هویت، به اصلی‌ترین و گاه تنها سرچشمه معنا تبدیل می‌شود. مردم هر روز بیش از گذشته معانی خود را، نه بر اساس اعمال، بلکه بر اساس هویت خود یا آنچه که گمان می‌کنند هویتشان است، سامان می‌دهند (کاستلن، ۱۳۸۱، ۲۷) و مفهوم حس مکان به شاخص و اصطلاحی رایج در برنامه و طراحی اجتماعات محلی بدل می‌شود (Bott, Banning, Wells, 2006). به طوری که در مقیاس‌های متفاوتی که این مفهوم مطرح می‌شود، حدود ۷۰ درصد این تحقیقات مربوط به واحد همسایگی می‌باشد (سرمدت و متوسلی، ۱۳۸۹، ۱۳۳).

۲.۱. مشارکت اجتماعی

مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است. مشارکت عبارت است از میزان دخالت اعضای نظام در فرآیند تصمیم‌گیری. در حقیقت جوهر مشارکت، منابع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه است (لهسای زاده، ۱۳۸۳). مشارکت، سهمی در چیزی داشتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل شرکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد (بیرو، ۱۳۷۰). مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵). اندیشمندان بسیاری از جمله لیبست، مک کلند، هانتینگتون، هیگن، لرنر، دورکیم، دال، میل برات و... همچنین صاحب‌نظران علوم اجتماعی ایرانی از جمله توسلی، بشیریه، ملک پور و علوی تبار ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی را بررسی نموده‌اند، که در ارتباط با مباحث این تحقیق می‌توان از همبستگی مشارکت با احساس وابستگی به محیط (کلدی، ۱۳۸۰)، احساس تعلق اجتماعی (کلدی، ۱۳۸۰ و توسلی، ۱۳۸۲)، اعتماد اجتماعی (ملک پور، ۱۳۸۱) و محل سکونت (عنبری، ۱۳۷۷ و توسلی، ۱۳۸۲) نام برد.

مشارکت اجتماعی، عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است. حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در بلند مدت، موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه،

$$n = \frac{S^2 Z^2}{d^2} = \frac{22.49^2 \cdot 1.96^2}{2^2} = 485.7 \approx 500$$

سپس با استفاده از روش نمونه برداری طبقه‌ای^۱ و براساس جمعیت محلات، حجم نمونه ۵۰۰ نفری در سطح محلات مطابق با جدول زیر توزیع گردید و در هریک از محلات از روش نمونه‌گیری ساده تصادفی استفاده گردید.

محلّه	محلّات الف	محلّات ب	محلّات ج	مروش	دانش	میلاد	جمع
جمعیت ۱۳۸۵	۱۷۱۷۶	۹۰۹۰	۱۷۰۲۴	۱۸۳۴۳	۲۱۱۵۲	۱۹۸۶۰	۱۰۲۶۶۵
حجم نمونه	۸۴	۴۴	۸۳	۸۹	۱۰۳	۹۷	۵۰۰

پس از تحلیل نتایج پرسش‌نامه‌ها، تأثیر حس تعلق مکانی در مشارکت و سرمایه اجتماعی ساکنین با استفاده از روش مدل-ساز معادلات ساختاری تحلیل گردید. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامعی برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده^{۱۱} و متغیرهای مکنون^{۱۲} می‌باشد. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جوامع خاص آزمون کرد و از آنجایی که اکثر متغیرهای موجود در تحقیقات برنامه‌ریزی شهری به صورت مکنون یا پوشیده و پنهان می‌باشد، ضرورت استفاده از این مدل‌ها روز به روز بیش‌تر می‌شود (پوراحمد و قاسمی، ۱۳۸۹، ۱۱). زمانی که از الگوی معادلات ساختاری استفاده می‌شود، یک مؤلفه مهم، تحلیل ارزیابی چگونگی برازش مدل فرضیه‌ای با داده‌های مشاهده نشده، است (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸). پژوهشگران معمولاً به منظور ارزیابی این برازش از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌کنند، که در این زمینه RMSEA^{۱۳} از جمله شاخص‌های مهم می‌باشد (Browne & Cudeck, 1993)، که در بهترین حالت باید کمتر از ۰.۰۵ باشد، اما بر اساس مطالعات تجربی، میزان کمتر از ۰.۰۸ قابل قبول می‌باشد (آبروکل، ۱۳۹۰). لازم به ذکر است، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزارهای SPSS18 و AMOS16 استفاده گردید.

۳. بحث

در این تحقیق، ابتدا ابعاد هریک از متغیرهای سه‌گانه تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شده و سپس مدل‌های مفهومی تحقیق مورد سنجش قرار گرفته است. در رابطه با حس تعلق مکانی تلاش برای پیشرفت محله و افتخار به محله بیشترین تأثیر را دارا هستند (جدول ۱) و در رابطه با سرمایه اجتماعی، سنج‌های اعتماد به همسایگان با ضریب استاندارد بالایی، بیشترین اهمیت دارند (جدول ۲) و در متغیر مشارکت، اهمیت تجربه مشارکت در رده اول و سپس تمایل به مشارکت ضریب بالاتری را به خود اختصاص داده است.

جدول ۱- ابعاد به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی حس تعلق مکانی.

ضریب استاندارد	
۰.۶۰۵	تا چه میزان حاضرید برای پیشرفت محله تلاش کنید.
۰.۲۸۲	در موقعیت‌های مختلف تا چه میزان حاضر به اعلام نام محله خود هستید.
۰.۶۳۶	چقدر به محله خود افتخار می‌کنید.

می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد آنان می‌گردد (CURDS, ICCHS & BR&C, 2009, 8). همچنین به نظر می‌رسد، سرمایه اجتماعی (اعتماد)، نقشی مؤثر در مشارکت عمومی مردم داشته باشد. در مدل علی پوتنام نیز اشاره شده است که، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سطح بالاتری از اعتماد و درگیر شدن اجتماعی را تولید می‌کند (Mohan & Mo-han, 2002, 198). دلیل این امر آن است که مردم در زمانی که به مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن مقامات دولتی اعتماد داشته باشند، تمایل بیشتری به مشارکت در اداره امور خواهند داشت. بالعکس زمانی که شهروندان یک جامعه اطمینان از اثرگذاری مشارکت خود بر تصمیمات و اقدامات دولت و دولت‌مردان از دست بدهند، جامعه نخست با پدیده بی‌اعتمادی مواجه می‌شود (منوریان و دیگران، ۱۳۸۹، ۲۶۱). در این زمینه، سام دونگ، تأثیرات سرمایه اجتماعی را در نهادینه کردن مشارکت شهروندان در هنگ‌کنگ بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان به نهادینه سازی مشارکت کمک می‌کند (Wong, 2008). همچنین رابطه مثبتی بین مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی در نیوزلند اثبات شده است (McVey & Vowles, 2005). یا گل (۱۳۸۷) با دسته‌بندی انواع فعالیت‌ها و بررسی رابطه بین فعالیت‌های اجتماعی و شرایط کالبدی نتیجه می‌گیرد که میزان بروز فعالیت‌های اجتماعی با شدتی کمتر از فعالیت‌های انتخابی به کیفیت کالبدی محیط وابسته است. عارفی با مطالعه برخی از محله‌های مرکز شهر لوس آنجلس شواهدی بر نقش شتاب دهنده بهسازی کالبدی - حتی اگر ناچیز باشد - در تولید سرمایه اجتماعی جدید در آن اجتماعات محلی ارائه داده است (Arefi, 2003, 391). بوتول و گیدنز راه‌هایی را برای تولید سرمایه اجتماعی با تأکید بر سرمایه کالبدی بررسی کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند آن گونه طراحی که کنش‌های متقابل اجتماعی را تسهیل کند، می‌تواند با باززنده سازی محل‌های اجتماع باعث تقویت سرمایه‌های اجتماعی شود (باقری، ۱۳۸۶).

۲. روش تحقیق

از آن جایی که هدف پژوهش، تعیین روابط علی میان متغیر حس تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی می‌باشد، پس تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و پیمایشی و از نوع، تحلیلی و همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر مدل معادلات ساختاری است. برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک تکمیل پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه محقق ساخته این پژوهش، مبتنی بر اعتبار محتواسست و چندین بار توسط اساتید و دانشجویان کارشناسی ارشد مورد بازبینی قرار گرفت و برای بررسی پایایی پرسش‌نامه و نیز تعیین حجم نمونه، تعداد ۶۶ پرسش‌نامه به عنوان پایلوت در محلات مورد بررسی تکمیل گردید. میزان آلفای کرونباخ این پایلوت، ۰.۷۲۴ می‌باشد و بر اساس انحراف معیار حاصله از پایلوت و فرمول زیر با دقت ۹۵ درصد حجم نمونه برابر است با:

تحقیق، تهیه شده‌اند و در تمام آنها بیضی‌های توپر، متغیرهای مکنون (پنهان) تحقیق و مستطیل‌ها، متغیرهای مشاهده شده (قابل اندازه‌گیری) تحقیق هستند. در مدل مفهومی شماره ۱، رابطه بین حس تعلق مکانی و مشارکت و رابطه سرمایه اجتماعی مورد تایید قرار می‌گیرد به عبارت دیگر حس تعلق به مکان از طریق افزایش تمایل و عمل مشارکت باعث افزایش اعتماد و سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. در این مدل مقدار معنی‌داری رابطه حس تعلق مکانی و مشارکت، ۰٫۸۳ و میزان معنی‌داری رابطه مشارکت و حس تعلق مکانی ۰٫۷۴ با میزان احتمال ۱۰۰ درصد و میزان خطای RMSEA قابل قبول ۰٫۰۵۹ می‌باشد.

در مدل مفهومی شماره ۲، رابطه‌های ۱. حس تعلق مکانی و مشارکت، ۲. حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی و ۳. مشارکت و سرمایه اجتماعی بررسی گردید، که در این بین تنها تأثیر حس تعلق مکانی در مشارکت با میزان معنی‌داری ۰٫۷۵ مورد تایید قرار گرفت. در این مدل سطح معنی‌داری ۱۰۰ درصد و میزان RMSEA، ۰٫۰۷۱ می‌باشد.

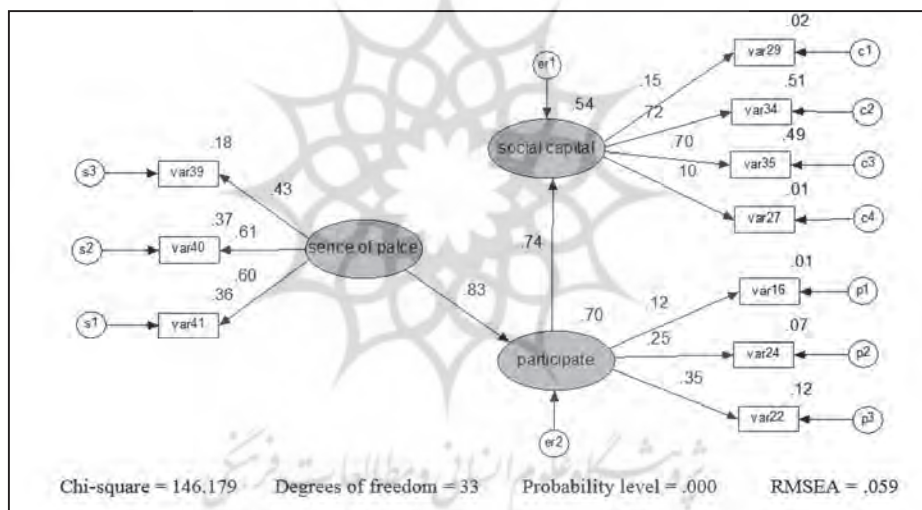
جدول ۲- ابعاد به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی سرمایه‌های اجتماعی.

ضریب استاندارد	
.596	اعتماد به همسایگان (قرص گرفتن پول از همسایه)
.724	اعتماد به همسایگان (قابل اعتماد دانستن همسایگان)
.026	اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به اخبار)
.102	اعتماد به سازمان‌ها (در اینجا شهرداری)

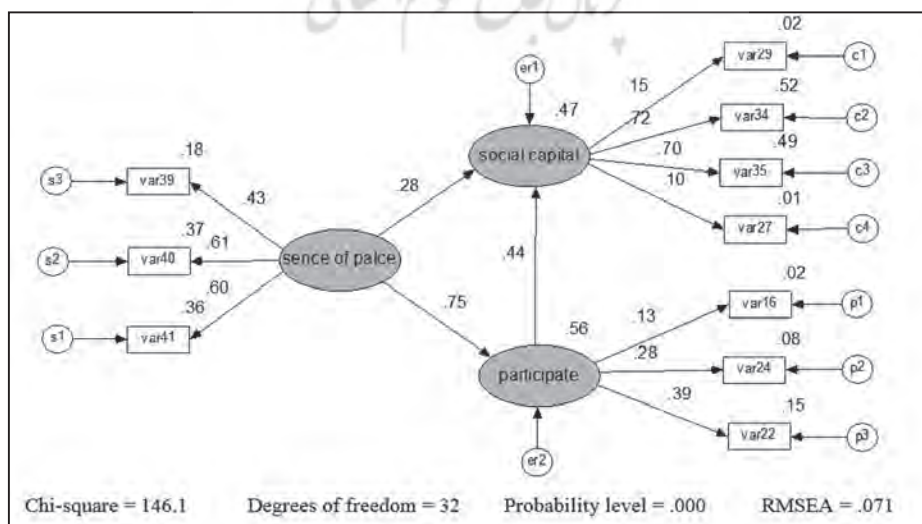
جدول ۳- ابعاد به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی مشارکت.

ضریب استاندارد	
.321	تمایل به مشارکت
.119	تجربه و عمل مشارکت
.774	نتیجه مشارکت

موارد مورد بحث این تحقیق در قالب ۴ مدل مفهومی به شرح زیر بررسی شده است، که تمامی آنها با توجه به تعاریف ارائه شده و تحقیقات گذشته و به منظور تبیین رابطه بین متغیرهای



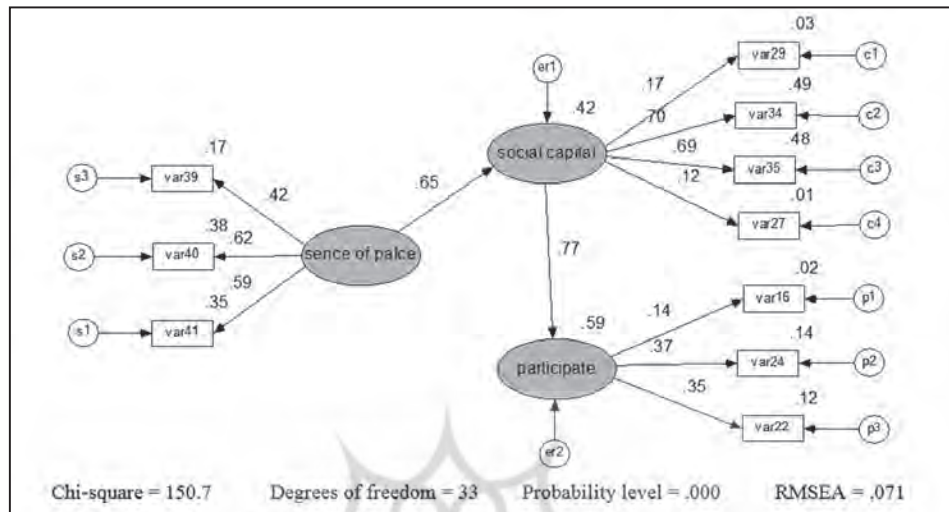
نمودار ۱- مدل مفهومی شماره ۱ در حالت تخمین استاندارد.



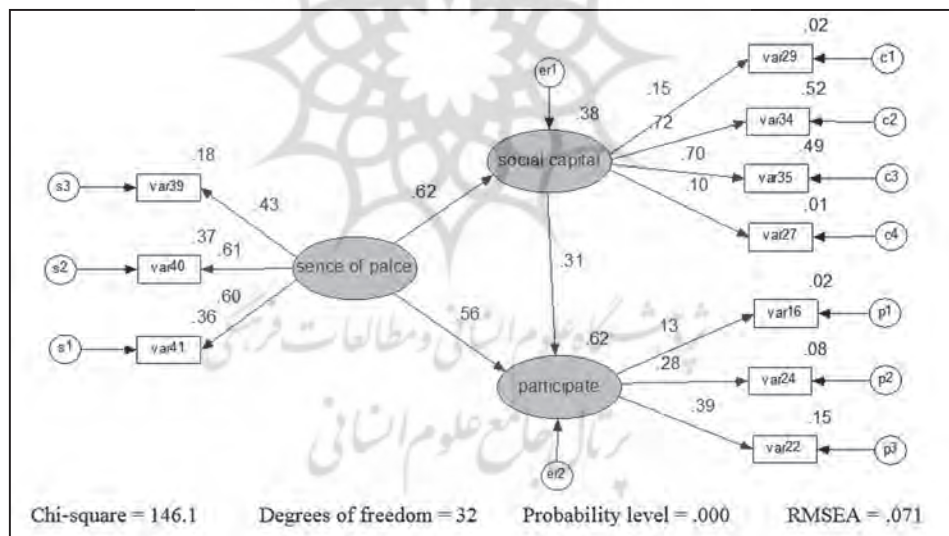
نمودار ۲- مدل مفهومی شماره ۲ در حالت تخمین استاندارد.

در نهایت در مدل مفهومی شماره ۴، سه رابطه به شرح زیر بررسی گردید: ۱. تأثیر حس تعلق مکانی در میزان سرمایه اجتماعی، با میزان ۰,۶۲، مرد تایید قرار می‌گیرد، ۲. تأثیر حس تعلق مکانی در مشارکت، که با میزان ۰,۵۹ تا حدودی مورد تایید قرار می‌گیرد، ۳. رابطه حس تعلق مکانی در مشارکت را نمی‌توان به اثبات شده دانست.

در مدل شماره ۳، تأثیر حس تعلق مکانی در میزان سرمایه اجتماعی و تأثیر سرمایه اجتماعی در مشارکت مورد آزمون قرار گرفت، که در این میان رابطه حس تعلق مکانی در سرمایه اجتماعی با میزان ۰,۶۵ و تأثیر سرمایه اجتماعی در مشارکت با میزان ۰,۷۷، با خطای ۰ و RMSEA، ۰,۷۱، مورد تایید قرار گرفت.



نمودار ۳- مدل مفهومی شماره ۳ در حالت تخمین استاندارد.



نمودار ۴- مدل مفهومی شماره ۴ در حالت تخمین استاندارد.

نتیجه

حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر مشارکت تأثیرگذار می‌باشد.

که از میان این مدل‌ها، مدل اول بهترین تبیین را از این روابط ارائه می‌دهد، بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر اثرگذاری حس تعلق مکانی بر افزایش سرمایه های اجتماعی از طریق افزایش مشارکت عمومی شهروندان با قوت مورد تایید قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر در محلات شهر مشهد حس تعلق مکانی باعث مشارکت بیشتر شهروندان می‌شود و مشارکت نیز باعث افزایش

هدف این مقاله، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی در سرمایه‌های اجتماعی (اعتماد عمومی) و مشارکت بوده است. بدین منظور چهار مدل مفروض از روابط میان این سه متغیر با کمک روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی و تبیین شد، جدول ۴ روابط علی اثبات شده این مدل‌ها را به صورت خلاصه نشان می‌دهد. می‌توان گفت؛ رابطه به صورت علی و غیرمستقیم می‌باشد، یعنی حس تعلق مکانی بر مشارکت و مشارکت بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد و یا بالعکس،

سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد ساکنین به یکدیگر می‌شود. البته لازم به ذکر است سایر مدل‌های این تحقیق نیز مورد تایید قرار گرفته‌اند، اما بیشترین ضریب تأثیر و کمترین خطا در اجرای مدل مربوط به مدل شماره ۱ می‌باشد که شرح آن در بالا رفت. بنابراین می‌توان این‌گونه گفت که: حس تعلق به مکان از طریق برانگیختن مشارکت شهروندان باعث اعتماد بیشتر شهروندان می‌گردد، بنابراین می‌توان گفت، داشتن جوامعی با سرمایه‌های اجتماعی بالا و مشارکت آگاهانه شهروندان مستلزم وجود حس تعلق به مکان، محله و شهر است و یکی از راه‌های افزایش این حس نیز برنامه‌ریزی کالبدی و مناسب سازی محلات است.

جدول ۴- جمع بندی مدل‌های استفاده شده (مدل‌های با معنی‌داری بالا).

عنوان	روابط معنی‌دار	مقدار تخمین شده
مدل شماره ۱	حس مکان << مشارکت	۰٫۸۳
	مشارکت << سرمایه اجتماعی	۰٫۷۴
مدل شماره ۲	حس مکان << مشارکت	۰٫۷۵
مدل شماره ۳	حس مکان << سرمایه اجتماعی	۰٫۶۵
	سرمایه اجتماعی << مشارکت	۰٫۷۷
مدل شماره ۴	حس مکان << سرمایه اجتماعی	۰٫۶۲
	حس مکان << مشارکت	۰٫۵۶

پی‌نوشت‌ها

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)، برنامه ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶، صص ۳۷-۴۶.

خاکپور، براتعلی و دیگران (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره دوازدهم، صص ۵۵-۸۱.

داداپور، سارا (۱۳۹۱)، راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی در مقیاس خرد در انطباق با اهداف طراحی شهری، ماهنامه طاق، شماره ۶۲، صص ۳۲-۳۵.

رضوانی، محمد رضا و احدی، علی (۱۳۸۸)، مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دهم، شماره ششم، صص ۴۵-۶۸.

سرمست، بهرام و متوسلی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق مکانی، مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.

شریفیان ثانی، م (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص ۲-۱۸.

شوماخر، رندال ای و ریچارد جی لومکس (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر مدل سازی معادله ساختاری، ترجمه وحید قاسمی، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.

صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، چاپ دوم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.

عباس منوریان و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین پاسخ‌گویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان‌های دولتی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، مدرس علوم انسانی پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۲۵۱-۲۷۴.

فلاح، م. ص (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جهان امروز، تهران.

قاسمی، وحید و نگینی، سمیه (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محل‌های در شهر اصفهان، مطالعات

- 1 Community.
- 2 Social Capital.
- 3 Sense of Place.
- 4 Participation.
- 5 Structural Equation Modeling.
- 6 Placelessness.
- 7 The Death and Life of Great American Cities.
- 8 Quality of Life.

۹ در پیمایش ارزش‌های جهانی (توسط اینگهارت) نیز از شاخص‌های اعتماد برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

- 10 Stratified Sampling.
- 11 Observed Variables.
- 12 Latent Variables.

۱۳ ریشه متوسط مربع خطای تقریبی (Root Mean Square Error of Approximation).

فهرست منابع

آبروکل، جیمزال (۱۳۹۰)، راهنمای جامع AMOS16، ترجمه کیومرث زر افشانی و مرضیه کشاورز، انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه.

باقری، نازگل (۱۳۸۶)، طراحی شهری معطوف به سرمایه اجتماعی، رساله کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

برغمدی، هادی (۱۳۸۷)، تأثیر تخریب محله غربت بر سرمایه اجتماعی محله خاک سفید، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۶۳-۲۸۳.

بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، نشر کیهان، تهران.

پوراحمد، احمد و قاسمی، ایرج (۱۳۸۹)، مدل سازی معادلات ساختاری در برنامه ریزی شهری، مجله سپهر، دوره نوزدهم، شماره ۷۸، صص ۱۰-۱۵.

(ICCHS) and Bradley Research & Consulting (BR&C). (2009). Sense of Place and Social Capital and the Historic Built Environment. London: International Centre for Cultural and Heritage Studies, Report of Research for English Heritage

SEMKEN, S & FREEMAN, C. B. (2008). Sense of Place in the Practice and Assessment of Place-Based Science Teaching, *Science Education* 92, pp: 1042-1058. DOI 10.1002/sce.20279.

Wong, S. (2008), Building Social Capital in Hong Kong by Institutionalising Participation: Potential and Limitations, *Urban Studies*, vol. 45, no. 7, pp: 1413-1437. DOI: 10.1177/0042098008090681.

و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۱۳-۱۳۶.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۱)، عصر اطلاعات، جامعه، فرهنگی و اقتصاد، قدرت فرهنگ، جلد دوم. ترجمه حسن چاووشیان، انتشارات طرح نو، تهران.

کلدی، علیرضا (۱۳۸۰)، بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری مطالعه‌ای در منطقه ۷ تهران، دانشکده علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران.

گل، یان (۱۳۸۷)، زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه شیما شصتی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم و ادب، تهران.

لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲)، بحران محیط زیست و توسعه همه جانبه و پایدار در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران، آگه، تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۹.

ملک پور، علی (۱۳۸۱)، تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران، انتشارات آزاداندیشان، تهران.

مهدی زاده، ج (۱۳۸۵)، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، چاپ دوم، معاونت معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

همتی، رضا (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی: چالش‌های روش شناختی و ابزارهای اندازه‌گیری، همایش سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، موسسه عالی آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

Arefi, M. (2003), Revisiting the Los Angeles Neighborhood Initiative (LANI), *Journal of Planning Education and Research*, 22(4), 384-399.

Bott, S.E., Banning, J., Wells, M., Haas, G & Lakey, J. (2006), *A sense of place: A framework and its application*, *College Services*, Vol 6, N05, pp 42-47.

Browne, M & cudeck, R. (1993), *Alternative Ways Of assessing model fit*. K. Bollen. in Testing structural equation models, Newbury Park, CA, sage publication, pp136-162.

Das, R.J. (2005), Putting social capital in its place, *Capital & Class* 30, pp: 65-79, DOI: 10.1177/030981680609000105.

Friedman, j. (1993), Toward a none euclidion mode of planning, *JAPA journal*, Autumn, pp: 43-44.

McVey, A & Vowles, J. (2005), Virtuous Circle or Cul de Sac? Social Capital and Political Participation in New Zealand, *Political Science*, vol. 57, no. 1, pp: 5-20. DOI: 10.1177/003231870505700102.

Mohan, G & Mohan, J. (2002), Placing social capital, *Progress in Human Geography*, 26, pp: 191-211, DOI: 10.1191/0309132502ph364ra.

Newcastle University's Centre for Urban & Regional Development Studies (CURDS), Newcastle University's International Centre for Cultural & Heritage Studies